

تحقیقات تاریخی

درباره سکه های دوره شاهنشاهی

و
شاهنشاهی
ارز و شیر با بکاف

ناشر

بانو ملکزاد و بیانی
استاد دانش تهران

سکه های پادشاهان ایران
برای تحقیق و مطالعه بسیاری از
مسائل مختلف تاریخی و اجتماعی
مؤثر و لازم بنظر میرسد زیرا سکه
هر زمان معرف هنر، فرهنگ،
تمدن، مذهب و اقتصاد و اجتماع
آن دوران است.

در مورد سکه های شاهنشاهان
ساسانی این نظر بطور کامل صدق
میکند زیرا در این دوران طولانی
که در حدود چهار قرن و نیم دوام
داشت شاهنشاهان متعددی سلطنت
نمودند که مدت سلطنت بعضی از
آنها از چند ماه تجاوز ننمود و
و برخی مانند خسرو اول
(انوشیروان) زمانی طولانی یعنی
چهل و هشت سال سلطنت نمودند
و سکه های مختلف متنوعی ضرب

زدند که هر يك بنوبه خود بسيار جالب توجه می باشد. مطالعه سکه هر يك از شاهان ساسانی می تواند بدون تردید بسیاری از وقایع آن زمان را روشن نماید و از عالم تصور و تصنع خارج سازد و بطور صحیح و یقین در دسترس محققین و مورخین قرار دهد، مانند تحقیق در باره ضرابخانه های مختلف و نام شهرهایی که ضرابخانه داشته است.

مطالعه و بررسی دقیق و کامل درباره هر قسمت مانند: تغییر و تحول از ابتدا تا انتهای آن دوره، نوشته و القابی که هر يك از شاهنشاهان بکار بردند، شکل و قیافه و لباس و تزیینات تاج و کلاه و آرایش مو و ریش، انواع آتشدانها و نگهبانان آنها، علامات و ترتیب اوزان، تاریخ گذاری^۱ روی سکه و خلاصه جنس فلزی^۲ که برای سکه زدن بکار رفته است، بحثی مفصل و جداگانه می باشد و آنچه در این مختصر مورد نظر ماست تحقیق درباره سکه های آخرین شاه پارس و اولین شاهنشاه ساسانی یعنی اردشیر (بابکان) ساسانی است که زمانی شاه پارس و سپس شاهنشاه مقتدر و بزرگ ایران زمین و مؤسس سلسله ساسانی بوده است. سکه های اردشیر اول ساسانی مانند زندگی او بدو دوره متمایز تقسیم می شود: دوره اول یا دوره شاهی او، و دوره دوم که دوره شاهنشاهی او می باشد.

سکه های ردیف اول از اردشیر پنجم شاه پارس ۳ می باشد که بترتیب سکه های

۱- تاریخ گذاری در روی سکه های ساسانی از زمان سومین سال سلطنت پیروز شاهنشاه ساسانی (۴۵۷-۴۸۳ میلادی) معمول و متداول گردید و از این دوره با در دست داشتن سکه های شاهنشاهان ساسانی مدت سلطنت آنها بطور صحیح مشخص و تعیین می شود.

۲- سکه های ساسانی از جنس طلا و نقره و مس و مسواید (POTIN) بوده است.

۳- پارس در دوره هخامنشی موقعیت خاص و بسیار مهمی داشته است زیرا شاهنشاهان هخامنشی علاوه بر سکونت در پایتختها با مراکز بزرگ شاهنشاهی مانند شوش، بابل و اکباتان، ایجاد مدتی از سال رانیز در کاخهای مجلل تخت جمشید می گذرانده بدین مناسبت پارس بواسطه سکونت شاه و نیز از لحاظ مذهبی وضع خاصی داشته و فرمانروایی این ناحیه از دوره هخامنشی در دست شاهزادگان این خاندان بوده است.

این شاهزادگان در دوره سلوکی و حتی دوره اشکانی فرمانروایی اجدادی و سلطنت

آخرین شاهان پارس ضرب شده است و از حیث نقش شباهت زیادی با سکه های اشکانی دارد

در طول مدت فرمانروایی شاهان پارس نقش سکه ها بسیار متفاوت و مناسب با وضع زمان بوده است سکه های اولین فرمانروایان بانقش تصویر شاه است که کلاه پارسی فرمانروایان هخامنشی را بر سر دارد و در پشت سکه در وسط آتشگاه قرار دارد که یک طرف آن درفش ۲ پارسی و طرف دیگر شاه که ریاست مذهبی را دارد در حال نیایش در مقابل آتشگاه ایستاده است. نقش سکه های پارس از زمان فراداد دوم (۱۳۳ - ۸۸ قبل از میلاد) که در دوران شاهنشاهی مهرداد دوم اشکانی فرمانروایی داشته ، نحت تأثیر سکه های اشکانی قرار گرفته است . بدین لحاظ سکه های اردشیر پنجم پارس و بابک پدرش که جزو آخرین سکه های این دوره میباشد از حیث نقش و آرایش سرو تاج نزدیکی و شباهت زیادی بسکه های آخرین شاهان اشکانی دارد .

→

معلی را بواسطه حسن تدبیر و موقع شناسی حفظ نمودند و قدرت مذهبی را مانند گذشته در دست گرفته، حافظ و نگهبان سنن و آداب و عادات ملی شدند . شاهان پارس بواسطه استقلال و آزادی که در امور داخلی داشتند بضر سکه پرداختند و این سکه ها علاوه بر آنکه نمونه بارزی از سنن و مذهب وضع آن دوران است چند تن از شاهان را که در نوشته های کهن نامی از آنان نیست معرفی مینماید . قدیمترین سکه های پارس از شاهان سلسله بغدات هاست که در حدود اواخر قرن سوم قبل از میلاد دوره سلطنت آنها شروع گردیده است.

بغدات اول پسر بغ کرت در حدود سال ۲۲۰ قبل از میلاد سلطنت رسیده است و تا زمانی که اردشیر پنجم پسر بابک سلطنت پارس رسیده (۲۱۰ قبل از میلاد) دو حدود سی نفر از شاهان در این منطقه فرمانروایی داشتند و اگر زمانی هم قدرت آنها بسیار محدود و کم بوده مهذا در این مدت طولانی که ۵ قرن دوام داشت از هم کیخستگی و پراکندگی واقعی روی نداد و کانون و مهد ایرانی برپا ایستاد تا با قدرت بیشتری توأم یابد و بصورت تازه ای با قدرت و عظمت بیشتری تجلی یابد .

۲ - نقش این درفش که بر روی سکه های شاهان پارس نقش شده است بطور یقین درفش خاص ایرانیان میباشد که معرف و نشانه پیروزی و تسلط است و آنطور که بسیاری از مورخان عقیده دارند همان درفش معروف کاویانی میباشد که شرح آن بطور کامل در شاهنامه فردوسی آمده و آن شاعر گرانقدر و بلند مرتبه آرایش و ذیبت آن چرم پاره را بصورت مهیج و دل انگیزی وصف کرده است

اولین سکه های اردشیر با تصویر پدرش بابک همراه است. در روی سکه، تصویر نیم رخ بابک میباشد با کلاه مخصوص و ریش بلند و موی نسبتاً بلند که از زیر لبه کلاه در دوردیف بیرون آمده است.

پشت سکه تصویر تمام رخ اردشیر با ریش بلند و موی مجعد که در چهار ردیف از زیر لبه کلاه بیرون آمده و بترتیب باریک شده در طرفین صورت بشکل مثلث در آمده است. تاج پدر و پسر هر دو بسبک اشکانی و مزین به جواهر و مروارید میباشد و در وسط تاج ماه و ستاره یا بالای تاج طرح ستاره مانندی قرار دارد. در اطراف تصویر هر یک از آنها نام و عنوان شاه (ملکا) بخط پهلوی نوشته و نقر گردیده است. روی سکه: ارتخشتر ملکا = اردشیر شاه و پشت سکه: بغی پاپک ملکا = خدایگان بابک شاه (ش ا). سکه های دیگری از این دوره سلطنت اردشیر نیز موجود است که تصویر او در یک طرف سکه و آتشدان مشتعلی در طرف دیگر قرار دارد. البته این سکه ها در حدود سال ۲۱۰ تا سال ۲۲۶ میلادی که آغاز شاهنشاهی اردشیر میباشد ضرب گردیده است و در دو طرف سکه نوشته نام او نقر است: ارتخشتر ملکا = اردشیر شاه

۱- بابک در ابتدا پسر ارشاه خود شاهپور را نامزد فرمانروایی پارس نمود و اردشیر را در دوا بگرد مقام بزرگ نظامی داد (در حدود سال ۲۱۰) ولی اردشیر از سمت خود خردل نبود و میل داشت که شاه پارس شود لذا پس از مرگ پدر و در گذشت برادر که بطور ناگهانی روی داد توانست بلامنازع فرمانروای پارس گردد. اردشیر شاه پارس با داشتن صفات عالی فرمانروایی و نبوغ نظامی، از ضعف دولت اشکانی استفاده نمود و از سال ۲۱۲ تا ۲۱۴ که سال کشته شدن اردوان پنجم است بسیاری از سرزمینهای ایران را بتصرف در آورد و پس از بدست آوردن پایتخت اشکانی (تیسفون) رسماً تاجگذاری کرده و عنوان شاهنشاه گرفت.

در مورد تاجگذاری اردشیر مورخان عقاید مختلفی ابراز میکنند بعضی نقش رجب یا نقش رستم را محل تاجگذاری میدانند زیرا کتیبه های اردشیر که حلقه سلطنت را آهورا- مزدا با و تفویض میکنند در این دو محل قرار دارد ولی برخی میگویند که محتمل است اردشیر در ممبد آناهیتا که اجداد او ریاست آنرا داشته تشریفات تاجگذاری را انجام داد. و بر او ننگ شاهنشاهی نشسته و شهنشاه ایران زمین شده است.

ردیف دوم سکه‌های اردشیر اول ساسانی که از سال ۲۲۶ تا ۲۴۵ میلادی و دوران شاهنشاهی او می‌باشد از لحاظ هنری جامع و ممتاز است و شاید بدون اغراق بسیاری از آنها را میتوان جزء شاهکارهای هنری دنیای قدیم دانست. سکه‌های این دوره پنج نوع مختلف است که هر کدام دارای آرایش و تزئین خاصی است که هنرمند حکاک با دقت فراوان و در نهایت ظرافت توانسته هنرمندی خود را در نقش تصویر و تاج و تزئینات دیگر آن بکاربرد.

در دو نوع از سکه‌های اردشیر نزدیکی و شباهتی بین تاج این دوره و تاج دوران فرمانروایی او نمایان است (ش ۲) ولی در سه نوع دیگر تاجها به صورت دیگری است. یکی تاج زرین به بیارزیبای کنگره دار (ش ۳) و دو نوع دیگر تاج مدوری است که بالای آن گسویی پارچه‌ای قرار گرفته که از مروارید و سنگهای قیمتی زینت یافته است (ش ۴). در پشت تاج قسمت بالا دو نوار چین دار موج گره خورده و در پایین تاج دو نوار بلند تاب دار آویزان است. آرایش مو و ریش در سکه‌ها نیز متنوع است. گاهی موها در زیر کلاه جاداده شده و زمانی در چند ردیف حلقه وار بردوش و پشت سر ریخته شده است.

نوشته‌ی بی‌خط پهلوی، که متضمن نام و القاب او است در دور تصویر قرار دارد. نوشته‌ها در این دوره تقریباً بدین ترتیب است:

مزدیسن بگی، ارتشتر، ملکان ملکا ایران یعنی مزداپرست بگ (خدایگان) اردشیر شاهنشاه ایران.

یابدین صورت: مزدیسن بگی ارتشتر ملکان ملکا ایران مینوچتری من یزتان یعنی مزداپرست بگ (خدایگان) اردشیر شاهنشاه ایران که نژاد مینوی از یزدان دارد.

پشت سکه‌های اردشیر اول آتشدان به‌سماز مجلی باشعله‌های فروزان در وسط نقش گردیده که نوارهای چین دار از طرفین آن آویزان است و دور آتشدان بی‌خط پهلوی نوشته شده است: آتش اردشیر.

آخرین نوع سکه‌های اردشیر که بسیار نادر می‌باشد و تا بحال تعداد کمی از آنها بدست آمده مربوط با اواخر دوره سلطنت او و زمانی است که اردشیر

اول پسرش شاپور رادر سلطنت باخود سهیم کرده است. برای این سکه هانقش نیم رخ اردشیر و نیم رخ شاپور روبروی یکدیگر قرار دارد و در نوشته دور سکه علاوه بر نام اردشیر نام شاپور نیز با عنوان شاه ایران برده شده است. (ش، ۵) روی سکه: شاپور ملکا، ایران مینوچتری یعنی شاپور شاه ایران که نژاد مینوی دارد و در پشت سکه: تورازی اردشیر یعنی آتش اردشیر و یا شاپور ملکا = شاپور شاه میباشد. جنس سکه‌های اردشیر اول از طلا، نقره، مس و برنز میباشد که در ضرابخانه‌های مختلف شاهنشاهی ضرب گردیده ولی چون نام شهر بر روی سکه‌ها برده نشده است نمیتوان محل ضرب را مشخص و تعیین نمود.

از دوره سلطنت بهرام پنجم (۲۴۰ - ۲۳۹) عمل نام گذاری شهر بر روی سکه متداول گردید و در پشت سکه کنار آتشدان نام شهری که سکه در ضرابخانه آن ضرب شده بصورت مختصر نقر است. بدین وسیله اسامی بسیاری از شهرهای دوره ساسانی چه آنهایی که هنوز بهمان نام باقی مانده اند^۱ یا شهرهایی که در طول زمان نام آنها تغییر نموده^۲ و یا ویران گردیده و از بین رفته در دست میباشد

۱ - آب = ابرقو

ار = اردبیل

اسپ = اسپهان

ام = آمل

اه = اهر

اهم = اامتان (همدان)

ریو = ری

شو = شوش

کر = کرمان

مب = میبد (یزد)

نه = نهاوند

۲ - ابر = ابرشهر (نیشابور)

اردشیر خوره = فیروز آباد فارس

یشابور = فارس

دارا بگرد = فارس

و = وها اردشیر (شهری که بجای سلوکیه قدیم در سال ۱۶۵ میلادی بدست

کاسیوس دنی ویران گردید و اردشیر آنرا از نو بنا نهاد .

و = وها قباد (شهری که قباد اول آنرا بنا نهاد) نزدیک بنداد حالیه .

سکه‌های اردشیر اول از حیث وزن تقریباً بدین ترتیب میباشند: طلا (دینار) در حدود ۷/۳۰ گرم و سکه‌های نقره (درهم) در حدود ۳/۸۰ گرم و سکه‌های نیم‌درهمی و کوچکتر بوزنهای کمتر و سکه‌های مسی یا مسوار در حدود ۱۲ تا ۱۵/۵۰ گرم و سکه‌های برنزی بوزن ۱/۳۵ گرم و ۲/۴۰ گرم و ۲/۹۵ گرم. سکه‌های اردشیر اول مانند اسناد و مدارک گرانبهای بسیاری از امورو و مسائل دوره شاهنشاهی این رادمرد بزرگ را که جزو نامداران جهان باستان است بصورت واقعی روشن میسازد و از لحاظ هنری نیز میتوان آنها را جزو ممتازترین آثار دنیای قدیم محسوب داشت.

پایان

